**جلسه 98**

**‌‌شنبه - 09/02/۹6**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به این بود که صاحب عروه فرمود تاخیر نماز از اول وقت برای انتظار جماعت و یا انتظار حضور در مسجد فضیلت دارد مگر منجر به افراط در تاخیر نماز بشود.

مرحوم آقای حکیم اعتراض کرد؛ فرمود و لو منجر به افراط در تاخیر بشود ثواب عظیم نماز جماعت منشأ می‌‌شود که تاخیر برای درک این ثواب عظیم اولی باشد از اتیان به نماز در وقت فضیلت آن و لو منجر به افراط در تاخیر بشود.

مرحوم استاد هم مشابه همین فرمایش مرحوم آقای حکیم را بیان کردند. مرحوم استاد فرمودند که ما در دو مقام باید بحث کنیم: یکی در رابطه با تاخیر نماز از اول وقت در جایی که قبل از فوت وقت فضیلت نماز جماعت برگزار می‌‌شود. در اینجا شکی نیست که تاخیر برای ادراک فضیلت جماعت اولی هست. چون در روایات معتبره گفتند الصلاة فی جماعة تفضل عل کل صلات فرد باربع و عشرین درجة تکون خمسا و عشرین صلات، بیست و پنج برابر است نماز جماعت نسبت به نماز فرادی در ثواب و فضیلت اما در نماز اول وقت ما همچون تعبیرهایی نداریم. بله، ‌ان الله یحب من الخیر عاجله، اول الوقتین افضلهما. این‌ها دلیل بر افضلیت اول وقت نسبت به نماز جماعت نیست. در نماز صبح داریم که در ابتداء طلوع فجر نماز بخوانید تا ملائکه شب و ملائکه روز هر دو آن را ثبت کنند که عملا می‌‌شود دو تا نماز. نماز اول طلوع فجر ثوابش معادل می‌‌شود با دو تا نماز، این کجا تا این‌که بیست دقیقه، ‌نیم ساعت صبر کنیم نماز جماعت برگزار بشود که حداقل بیست و پنج برابر نماز فرادی است.

اما اگر فرض کنید نماز جماعت منشأ فوت وقت فضیلت بشود، در اینجا مرحوم آقای خوئی اشکال کردند در فضیلت درک جماعت. گفتند این روایات فضیلت نماز جماعت انصراف دارد به نماز جماعت‌هایی که در وقت فضیلت خوانده می‌‌شده. متعارف در زمان ائمه این بوده، الان هم همین است. چطور ما بگوییم که تاخیر نماز برای درک فضیلت جماعت اولی هست در حالی که در روایات برای تاخیر نماز تعبیرهای تندی آمده است، تعبیر به این‌که این، ‌تضییع است کسی بخواهد نماز عصر را از شش هفتم شاخص، از آن زمانی که سایه به شش هفتم شاخص برسد تاخیر بیندازد، ‌فذلک المضیع، این تضییع نماز است. برخی از فقهاء مثل صاحب حدائق گفتند واجب تکلیفی است برای مختار که در همین وقت معروف به وقت فضیلت نماز بخواند.

مرحوم استاد فرمودند ما این مطلب را قبول نداریم. اگر تضییع نماز عصر مثلا به این باشد که نزدیک غروب آفتاب جماعت برگزار بشود، بله، آن را قبول داریم که نباید تاخیر بیندازیم یعنی خلاف فضیلت است که نماز واجب‌مان را، ‌نماز عصرمان را مثلا تاخیر بیندازیم با جماعت در نزدیکی غروب آفتاب بخوانیم، ‌اما این‌که شش هفتم شاخص می‌‌گذرد، ‌خب بگذرد. دلیل شما بر این‌که تاخیر نماز عصر از شش هفتم شاخص تضییع است، صحیحه سلیمان بن خالد است که می‌‌گوید العصر علی ذراع فمن ترکها حتی تصیر علی ستة اقدام فذلک المضیع، ‌نماز عصر فضیلتش موقعی است که چهار هفتم شاخص بشود سایه، اگر کسی ترک کند تا بشود شش هفتم شاخص، ‌این شخص مضیع است، مرحوم استاد فرمودند خب این را ما باید حمل کنیم بر تضییع وقت فضیلت نه تضییع نماز. چرا؟‌ برای این‌که در روایت موثقه تضییع نماز عصر را گفتند به این است که یدعها حتی تصفر و تغیب یا أو تغیب. فرمودند نماز عصر تضییعش به این است که نماز عصر نخواند تا خورشید زرد بشود و دیگه در شرف غائب شدن باشد، آن، ‌تضییع است نه این‌که شش هفتم شاخص بگذرد. شش هفتم شاخص بگذرد تضییع وقت فضیلت است. بله، ما قبول داریم. اگر نماز فرادی عصر را نخواند، بگذارد نماز جماعت عصر بخواهد بخواند بعد از اصفرار شمس، ‌ما هم می‌‌گوییم این خلاف فضیلت است. این تضییع نماز عصر است. اما وقت فضیلت می‌‌گذرد، ‌بگذرد.

این‌که ایشان، آقای خوئی فرمودند که ادله فضیلت جماعت انصراف دارد به نماز‌های متعارف که در وقت فضلیت خوانده می‌‌شده، این وجهی ندارد. همه نماز جماعت‌ها که در مساجد نبوده که. آقا در خانه‌شان نماز می‌‌خواندند و لو جماعت دو نفره؛ خودش امام، خانمش ماموم، خودش امام، ‌فرزندش ماموم، دوستش ماموم. حتما باید در وقت فضیلت نماز جماعت برگزار بشود؟ خب روایت اطلاق دارد دیگه. الصلاة جماعة‌ تعدل خمسا و عشرین صلات، این مطلق است دیگه.

[سؤال: ... جواب:] متعارف در مساجد را چرا فقط نگاه می‌‌کنید؟ اطلاق دارد این حدیث.

و لذا مرحوم استاد فرمودند ما هم نظرمان این است که حتی اگر به افراط در تاخیر منجر بشود، ‌صبر کنید نماز جماعت بخوانید. مگر آن چیزی که نامش تضییع گذاشته شد که یدعها حتی تصفر او تغیب.

ایشان فرمودند ما در تاخیر نماز اول وقت برای درک فضیلت نماز در مسجد هم همین را می‌‌گوییم. الان وسیله نقلیه فراهم نیست که برود مسجد، چند ساعت باید صبر کند بعد برود مسجد نماز بخواند، صبر کند. اقل مساجد در فضیلت مسجد سوق است، ‌مسجد بازار است. مسجد بازار دوازده برابر است نماز در آن نسبت به نماز فرادی. دوازده برابر. بعدش مسجد قبیله است، بیست و پنج برابر است نماز در مسجد قبیله نسبت به نمازهای در منزل. موثقه سکونی عن علی علیه السلام صلات فی بیت المقدس تعدل الف صلات‌ و صلات فی المسجد الاعظم مأة‌ صلات. مسجد اعظم ظاهرا مسجد جامع است. و الا مسجد الحرام و مسجد النبی و مسجد کوفه و بیت المقدس دارد که صلات در آن تعدل حجة، ‌نافله در آن تعدل عمرة. صلات فریضه در مسجد الحرام، مسجد النبی، ‌مسجد کوفه، ‌بیت المقدس صلات فریضه در آن تعدل حجة. صدوق نقل می‌‌کند باسناده عن ابی حمزة الثمالی. و نافله در آن تعدل عمرة. این روایت تعبیر می‌‌کند مسجد اعظم مأة صلات یعنی مسجد جامع. و صلات فی مسجد القبیلة خمس و عشرون صلات و صلات فی مسجد السوق اثنتا عشرة صلات و صلاة الرجل فی بیته وحده صلات واحدة. بیست و پنج برابر است نماز در مسجد قبیله. حالا مساجد ما که مسجد قبیله هم نیست‌، دیگه از مسجد قبیله پایین‌تر که نیست مساجد ما. حداقل بیست و پنج برابر است نماز در آن اما راجع به نماز در وقت فضیلت اینقدر ثواب نگفتند.

این محصل فرمایش مرحوم استاد.

ما این مطلب برای‌مان خالی از اشکال نیست. همان‌طور که آقای خوئی دارند، ‌آقای سیستانی دارند که تاخیر نماز از وقت فضیلت برای درک جماعت، ‌این فضیلتش برای ما ثابت نیست. چرا؟ برای این‌که این روایاتی که می‌‌گوید صلات جماعة تعدل خمسا و عشرین صلات این ناظر است به ذات این دو نماز. نماز جماعت منهای امتیازات دیگر با نماز فردای منهای امتیازات دیگر را حساب می‌‌کند. عرفیش این است.

دقت کنید مثال بزنم! در روایت داریم: فضل العالم علی العابد کفضل القمر علی سایر النجوم فی لیلة البدر. این یعنی یک عالمی است چهار تا مسئله یاد گرفته، خب آجره الله! اما یک عابدی است اورع الناس، ‌اتقی الناس، ‌این را می‌‌خواهد بگوید که فضل العالم علی العابد؟ این حیثی است. عالم من حیث انه عالم، عابد هم من حیث انه عابد. فضل عالم من حیث انه عالم بر عابد من حیث انه عابد این است. کفضل القمر علی سایر النجوم فی لیلة البدر.

این هم می‌‌گوید فضل نماز جماعت من حیث انه جماعة بر نماز فردای من حیث انه نماز فردای بیست و پنج برابر است. اما همین نماز فردای اگر امتیازهای دیگری دارد، حضور قلب دارد، وقتی می‌‌رود مسجد، پشت سر این امام جماعت که نماز می‌‌خواند حضور قلب ندارد، ‌حالا نه این‌که شیطان وسوسه می‌‌کند که از فیض جماعت محروم بشود، نه، بالاخره شرائطی است در مسجد که این، ‌حضور قلبش را از دست می‌‌دهد، که مجسمه‌ها، ‌صور ذوات ارواح که در روایات نهی کراهتی از آن شده، ‌یک مقدارش شاید برای همین باشد دیگه که نصب نشود در مساجد. حضور قلب ندارد، ‌بگوییم این نماز فرادی که در خانه می‌‌خوانی با حضور قلب ولی این نماز جماعت بدون حضور قلب بیست و پنج برابر آن نماز فرادی با حضور قلب است؟ این معلوم نیست.

[سؤال: ... جواب:] ما همه را می‌‌گوییم حیثی است. ... اگر گفتند فضل عالم علی الجاهل، حالا این روایت بود فضل العالم علی الجاهل، یک روایت دیگه بیاید بگوید فضل العالم علی الجاهل، این فضل العالم علی الجاهل این یعنی و لو آن جاهل یک امتیازهای دیگری دارد؟ اورع الناس است، ‌منتها جاهل است، به این معنا که فرض کنید عامی است، ‌اما عامی متدین است، معنایش این نیست که. عالم من حیث انه عالم بر جاهل من حیث انه جاهل نه جاهل با امتیازهای دیگر نه آن جاهلی که امتیاز این را دارد که فرض کنید مجاهد فی سبیل الله است. آن را که نمی‌گوید. حیثی است.

ما عرض‌مان این است. و لذا نمی‌شود بگویید این روایت می‌‌گوید نماز جماعت بر نماز فرادی‌آی که وقت فضیلت خوانده می‌‌شود افضل است به بیست و پنج برابر، اما نماز جماعت در غیر وقت فضیلت. نه. نماز جماعت من حیث هو بر نماز فرادی من حیث هو امتیاز بیست و پنج برابری دارد. اما اگر نماز فرادی امتیاز دیگری داشت، او را نمی‌گوید که.

[سؤال: ... جواب:] حالا در تاخیر مختصر از وقت فضیلت سیره قطعیه بوده. ... مگر امراء همه‌شان ظالمند؟ ... امراء زمان امیرالمؤمنین. امام به محمد بن ابی بکر مگر نفرمود در اوقات فضیلت نماز بخوان؟ ... در نهج البلاغة هست که اذا بلغ الظل مثله صل العصر. خب بلغ الظل مثله تاخیر از اول وقت فضیلت است دیگه. چون اول وقت فضیلت نماز عصر حالا یا بعد از نماز ظهر و نوافل عصر است که آقای خوئی می‌‌گویند یا بعد از دو هفتم شاخص است که بعضی می‌‌گویند یا بعد از چهار هفتم شاخص است که بعض دیگر می‌‌گویند.

ببینید! بحث در این است: امراء و علماء همیشه که سر وقت نماز نمی‌خواندند که، ‌بالاخره یک مقدار تاخیر می‌‌افتد. طرف بگوید ان الله یحب من الخیر عاجله، ‌آقا! ده دقیقه صبر کن تا امام جماعت بیاید، نخیر، ان الله یحب من الخیر عاجله. این خلاف سیره است. علاوه بر این‌که این مقدار ما دلیل نداریم بر افضلیت تعجیل. چون آن هم حیثی است افضلیت تعجیل. نه این‌که ده دقیقه صبر کنی نماز جماعت می‌‌خوانی، ‌بگوییم نه، ‌صبر نکن ان الله یحب من الخیر عاجله، ‌خب نماز جماعت هم خیر است. این مثل این می‌‌ماند که نماز شب اول نیمه شب می‌‌خواند می‌‌گوید ان الله یحب من الخیر عاجله یا می‌‌گوید سارعوا الی مغفرة من ربکم، ‌بیخود می‌‌کنید شما نماز شب‌تان را می‌‌گذارید در سحر می‌‌خوانید، ‌و بالاسحار هم یستغفرون، ‌نماز شبت را همان نیمه اول شب بخوان چون سارعوا الی مغفرة من ربکم، ‌ان الله یحب من الخیر عاجله. خب این درست نیست. برای این‌که ان الله یحب من الخیر عاجله همان عاجله با حفظ این‌که دو چیز خیر هستند و مساوی هستند من جمیع الجهات خب ان الله یحب من الخیر عاجله اما اگر آن فرد متاخر اشد خیر است، آن مرتبه شدید از خیر که در آن فرد متاخر است، خب خدا او را هم دوست دارد، از آن حیث شما برای درک آن فضیلت آن فرد متاخر مثل نماز شب قبیل طلوع فجر، خب برای درک او مجبوری تاخیر بیندازی نماز شب را، ‌افضل این است. سارعوا الی مغفرة من ربکم که متعلقش مسارعت به مغفرت خداست نه این‌که اگر یک مستحب یا واجب موسعی بود سریع‌تر برویم آن واجب یا مستحب را انجام بدهیم. سارعوا الی مغفرة. این سارعوا الی مغفرة یعنی پیشی بگیرید بر هم، ‌بشتابید به سمت مغفرت خدا، ‌خب گاهی مغفرت خدا در تاخیر زمانی یک فعل است، ‌گاهی مغفرت خدا به این است که نماز شب را قبل از طلوع فجر بخوانی، ‌ثواب بیشتر دارد، غفران بیشتر دارد، ‌آن وقت سارعوا الی مغفرة به این است که صبر کنی نماز شب را آخر شب بخوانی. نماز عشاء‌ را مثلا صبر کنی بعد از ذهاب حمره مغربیه بخوانی. این است سارعوا الی مغفرة، این است ان الله یحب من الخیر عاجله.

پس ما عرض‌مان این است:‌ در تزاحم بین نماز جماعت و وقت فضیلت ما دلیل نداریم بر استحباب درک جماعت و لو منجر به فوت وقت فضیلت بشود. اما قبل از فوت وقت فضیلت اگر نماز جماعت خوانده بشود، آن، تاخیرش مشکلی ندارد کما علیه السید الخوئی.

این خلاصه این بحث هست.

[سؤال: ... جواب:] من نمی‌دانم این روایت را از نهج الفصاحة می‌‌خوانید، از کجا می‌‌خوانید. انتظار الجماعة عبادة، خب چی؟ و لو به فوت وقت فضیلت. خیلی چیزها عبادت است. انتظار الجماعة عبادة و لو قبل از دخول وقت، ‌بروید در صف بنشینید، از یک ساعت به اذان بروی جا بگیری، انتظار جماعت بکشی تا اذان بشود نماز بخوانی، ‌این هم انتظار الجماعة است. معنای انتظار الجماعة این نیست که و لو منجر به فوت وقت فضیلت بشود.

از این بحث بگذریم.

یک نکته‌ای راجع به بحث قبل مانده عرض کنم:

در بحث قبل داشت که صاحب عروه گفت التفریق افضل، یستحب التفریق بین الصلاةین، آقای خوئی فرمود فیه اشکال، ‌آقای سیستانی دارند که لم یثبت استحباب التفریق بعنوانه.

بعضی‌ها به ما اشکال کردند گفتند شما وقتی روایت ذکری را قبول کردید سندا و دلالتا که می‌‌گوید التفریق افضل، چرا ملتزم نمی‌شوید به این التفریق افضل؟ قرینه‌ای بر خلاف این‌که ما پیدا نکردیم. ان هی الا سبحتک که آقای خوئی فرمود قرینه بر خلاف است، بلکه معارض است با این روایاتی که می‌‌گوید تفریق افضل است، ‌برخی روایات می‌‌گوید تفریق افضل است ولی برخی دیگر از روایات می‌‌گوید که بعد از نماز ظهر نافله عصر را بخوان بعد نماز عصر را بخوان، ‌فاصله میان نماز ظهر و نماز عصر به آن نافله عصر است، ان هی الا سبحتک، فمتی صلیت فصل العصر یا در روایت دیگر داریم: انما شرّع این وقت عصر علی ذراعین لمکان النافلة، ‌بخاطر نافله عصر است که گفتند نماز عصر را چهار هفتم شاخص بخوانید و نماز ظهر را دو هفتم شاخص. پس معلوم می‌‌شود ملاک تفریق نافله است. حالا اگر نافله من نمی‌خواهم بخوانم، نافله عصر نمی‌خواهم بخوانم یا اصلا نافله عصر از من ساقط است، کما فی السفر، این روایت می‌‌گوید برای چی دیگه تاخیر می‌‌اندازی نماز عصر را؟

آقای خوئی فرمود این روایاتی که می‌‌گوید ان هی الا سبحتک یا شرع وقت العصر علی ذراعین و وقت الظهر علی ذراع لمکان النافلة این روایات معارض می‌‌شوند با آن روایاتی که مفادش این است که تفریق بین نماز ظهر و عصر افضل است.

البته ما قبول نداریم معارضه را. ما می‌‌گوییم اگر این روایات ان هی الا سبحتک یا شرع لمکان النافلة تمام بشود جمع عرفی دارد. کشف می‌‌کند که آن التفریق افضل بخاطر این‌که نافله عصر خوانده بشود بین نماز ظهر و عصر گفته شده، ‌یا نافله مغرب بین نماز مغرب و عشاء خوانده بشود گفته شده، تعارضی ندارند. چرا آقای خوئی گفتید تعارض می‌‌کنند؟ این‌که آقای خوئی فرموده این روایات استحباب تفریق با این روایات ان هی الا سبحتک تعارض می‌‌کنند، نه، ما این را قبول نداریم. وجهی برای این تعارض نیست. جمع عرفی بین این دو هست. آن وقت بعد از تعارض آقای خوئی چه کار می‌‌کنند؟ حالا تعارض بکنند. خب آقای خوئی می‌‌گوید برای همین من فتوی ندادم، ‌گفتم فی استحباب التفریق اشکال، ‌خب خوبه ولی بعد از تعارض ما به چه می‌‌خواهیم رجوع کنیم؟ آقای خوئی بیان نکردند عام فوقانی چیه؟

شاید در نظر مبارک‌شان این بود که بعد از تعارض عام فوقانی ان الله یحب من الخیر عاجله که از روایات استفاده شده استحباب تعجیل نماز در اول وقت مرجع ایشان باشد.

ولی بهرحال ما عرض‌مان این است که معارضه ندارند؛ جمع عرفی دارند. ولی به شرط این‌که روایات ان هی الا سبحتک یا شرع الذراع و الذراعان لمکان النافلة تمام بشود. ما عرض‌مان این بود که این روایات در مقابلش روایتی هست که آن هم صحیحه هست، از امام علیه السلام سؤال کرد، گفت بعضی از اصحاب گفتند ان هی الا سبحتک، این‌جور روایت نقل کردند، ‌بعضی از اصحاب گفتند نماز عصر را در وقتی بخوان ‌که ذراعین باشد و نماز ظهر را در وقتی بخوان ‌که ذراع باشد سایه، چه بکنیم؟ حضرت فرمود القدمان و اربعة اقدام ثواب جمیعا، همین که گفتند نماز ظهر را روی ذراع یعنی دو هفتم شاخص بخوان‌ که می‌‌شود قدمان و نماز عصر را روی ذراعین که اربعة اقدام یعنی چهار هفتم شاخص بخوان، ‌این ثواب است. یعنی آن روایت ان هی الا سبحتک مربوط به فضیلت نماز نیست، مربوط به جواز است. ظاهر روایت این است دیگه. این روایت صحیحه تعیین تکلیف کرد. گفت این روایاتی که می‌‌گوید ان هی الا سبحتک، بعد از نماز ظهر نافله عصر بخوان بلافاصله نماز عصر بخوان، تاخیر نماز عصر بخاطر این نافله است، ‌ان هی الا سبحتک ان شئت طولت و ان شئت قصرت فمتی صلیت فصل العصر، خب امام این روایت را ترجیح ندارد، روایتی را ترجیح داد که می‌‌گوید القدمان افضل، اربعة اقدام افضل. این معنایش این است که آن ان هی الا سبحتک جواز است نه استحباب. بر خلاف عامه که می‌‌گفتند واجب است تاخیر نماز عصر تا بلوغ الظل مثله امام می‌‌فرمایند نه، واجب نیست، جایز است بعد از نافله عصر نماز عصر را بخوانی.

[سؤال: ... جواب:] حالا کسی که نافله می‌‌خواند خب طبعا تاخیر می‌‌اندازد نماز عصر را به بعد از نافله. در مقابل قول عامه که می‌‌گفتند جایز نیست نماز عصر را قبل از بلوغ الظل مثله بخوانی.

آن وقت عرض ما در اینجا این می‌‌شود که حالا که روایت ان هی الا سبحتک حمل بر ترخیص شد بخاطر این روایت صحیحه که می‌‌گفتند القدمان و الاربعة اقدام ثواب جمیعا، خب گفته می‌‌شود که دیگه تعارض یا جمع عرفی بر طرف شد. التفریق افضل، ‌خب روایت ان هی الا سبحتک جایز است بعد از نماز ظهر نماز عصر را بخوانی. چون این‌جور حمل کردیم ان هی الا سبحتک را به قرینه این روایت صحیحه که می‌‌گفت القدمان و الاربعة‌ اقدام ثواب جمیعا. آن وقت ان هی الا سبحتک شد جواز تقدیم نماز عصر. خب جواز تقدیم نماز عصر منافات با التفریق افضل ندارد.

این اشکالی است که به ما می‌‌شود. فقط جواب ما یک کلمه است. و آن این است که اصلا ما ضیق فم الرکیة می‌‌خواهیم بکنیم. معتقدیم التفریق افضل در ارتکاز متشرعی در آن زمان ظهوری بیش از این نداشت که می‌‌خواست بگوید جمع بین صلاتین به این‌که در غیر وقت فضیلت بخواهید نماز ظهر و عصر را بخوانید، نماز مغرب و عشاء را بخوانید، اما بتقدیم العصر أو بتاخیر الظهر و این خلاف فضیلت است. التفریق افضل در آن عرفی که در مقابل جمع که جمع رسول الله صلی الله علیه و آله بین الصلاةین من غیر مطر و لا سفر، تفریق در مقابل جمع است. جمع یعنی در غیر وقت فضیلت هر دو نماز را با هم بخوانیم. این روایت می‌‌گوید التفریق افضل. بیش از این ظهور ندارد که آقا!‌ تفریق یعنی اتیان هر نمازی در وقت فضیلتش افضل است. بیش از این ظهوری ندارد. و لااقل من الاجمال.

و لذا ما هم مثل آقای خوئی و آقای سیستانی می‌‌گوییم لم یثبت استحباب التفریق بعنوانه.

از این مسئله هم گذشتیم.

اما مسئله بعد مسئله 10: یستحب الغلس بصلاة الصبح‌ أی الاتیان بها قبل الاسفار فی حال الظلمة.

این را قبلا بحث کردیم. روایت داشت که اگر شما در ابتداء طلوع فجر، در تاریکی شب نماز صبح بخوانی، هم ملائکة‌ اللیل ثبتش می‌‌کنند هم ملائکة النهار. و این دلیل بر افضلیت نماز صبح در این وقت است.

مسئله 11 هم راجع به قاعده من ادرک است. کل صلات ادرک من وقتها فی آخره مقدار رکعة‌ فهو اداء و یجب الاتیان به فان من ادرک رکعة من الوقت فقد ادرک الوقت لکن لایجوز التعمد فی التاخیر فی ذلک.

که این را هم ما بحث کردیم.

از این فصل گذشتیم.

فصل بعد راجع به اوقات رواتب است. ما این فصل را زیاد بحث نمی‌کنیم. از لابلای بحث‌های گذشته یک مقدار روشن شد. روایت می‌‌گوید وقتی شما دو هفتم شاخص شد، ‌دیگه نافله ظهر نخوان ‌نماز ظهر بخوان، وقتی چهار هفتم شاخص شد، دیگه نافله عصر نخوان خود نماز عصر بخوان، ‌ترکت النافلة. این را ما قبلا بحث کردیم. و لذا به نظر ما این مباحث تکرارش لازم نیست.

مهم در مسئله ما این است که وقت نماز شب را بحث کنیم در این اوقات الرواتب. که آیا وقت نماز شب برای حاضر از ابتداء شب است کما علیه جماعة‌ منهم السید السیستانی یا از نیمه شب است؟ اگر از ابتداء شب باشد دیگه بهانه برای نماز شب نخواندن کم می‌‌شود.

ان‌شاءالله این را بحث کنیم و بعد احکام اوقات را دنبال کنیم.

و الحمد لله رب العالمین.